

ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان: واکاوی ابعاد و مولفه‌ها با رویکرد کیفی

ندا محسنی^۱، محمد علی حسینی^{۲*}، نادر قلی قورچیان^۳

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۷


چکیده


هدف: هدف از انجام این پژوهش شناسایی عوامل ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان بود. **روش شناسی:** روش شناسی پژوهش کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد (گرند تئوری) و تحلیل مضمون کتب و مقالات مرتبط با موضوع بود. جامعه آماری ۱۰ نفر از متخصصانی که در زمینه مدیریت آموزشی کار پژوهشی انجام داده و خبرگان و صاحب‌نظران و اساتید حوزه مدیریت آموزشی و علوم تربیتی در دانشگاه بودند، انتخاب و مصاحبه با آنها انجام شد. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از فرایند کدگذاری مبتنی بر طرح نظام مند راهبرد نظریه داده بنیاد کوربین و اشتراس (۲۰۰۸)، انجام شد. بر اساس این طرح داده‌های مورد نیاز گردآوری و از طریق کدگذاری باز، کدگذاری محوری، کدگذاری گزینشی مقوله‌ها، زیر مقوله‌ها احصا شدند. نرم افزار اجرای تحلیل MAXQDA 2018 بود.


یافته‌ها: پس از بررسی و مطابقت این کدها و حذف کدهای تکراری، کدهای مشترک تعیین و مقولات با پیشینه و مبانی نظری تطابق و مفاهیم مشترک بازنگری شدند. بعد از انجام عملیات کدگذاری باز، در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم (کدها) مشترک و مشابه از نظر معنایی تعیین و طبقه بندی شدند. در نهایت مدل ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان توسط خبرگان اعتبار سنجی شد.

بحث و نتیجه‌گیری: مدل مورد نظر شامل شرایط علی: عامل ساختاری و عامل فرهنگی راهبردها: گسترش امکان مشارکت والدین، گسترش اخلاق حرفه‌ای، وضع قوانین و مقررات و فرهنگ سازی پیامدها: عوامل اجتماعی، عوامل آموزشی؛ زمینه‌ای: تجارب دانش‌آموزان، نقص مدیریتی، نقش تربیتی خانواده و شرایط مداخله‌گر شامل: عدم همکاری با خانواده با مربیان، کمبود منابع مالی خانواده، کمبود نیرو متخصص می‌باشد.

واژگان کلیدی: خانواده، تعامل مدرسه، سوء رفتارهای اجتماعی، نوجوانان

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران. 

^۲ دانشیار، دانشکده علوم بهزیستی و توانبخشی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول). 

^۳ استاد تمام، گروه مدیریت آموزشی، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران. 

مقدمه

در نظام‌های آموزشی، مسائل پرورشی و رفتاری مقوله‌های مهمی هستند که شعاع درگیری و تأثیرگذاری آن‌ها از چارچوب آموزش رسمی فراتر می‌رود و کل زندگی را در برمی‌گیرد. در این راستا و در زمینه مسائل رفتاری، رویکردهایی مادام‌العمر، قابل‌تأمل و بررسی است که نباید از نظر مسئولین امر پنهان بماند و یا در حاشیه قرار گیرد. یکی از این رویکردها تعامل خانه و مدرسه است. براساس نظر Amighi and Sharifian (2018) گام نخست فرآیند تربیت یا آموزش و پرورش عبارت است از برقراری رابطه و ارتباط؛ و گام پایانی آن عبارت است از اطمینان از قابل‌اعتماد بودن روابط و ارتباطات. ارتباط مؤثر و قوی بین خانه و مدرسه و افزایش مشارکت والدین امری ضروری به شمار رفته و یکی از پیامدهای ارتقای سطح کیفی و کمی تعامل مدرسه، پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان (به‌ویژه نوجوانان) است. سوء رفتارها و چالش‌های ارتباطی- اجتماعی می‌تواند روابط اجتماعی در تعاملات کلامی و غیر کلامی، بازی، درک اهداف و مقاصد دیگران، تنظیم هیجان، مهارت‌های یادگیری و ابعاد دیگر را تحت تأثیر قرار دهد و مشکلات رفتاری گسترده‌ای را دامن بزند (Chen, 2019).

نوجوانی^۱ دوره انتقال به بزرگسالی است و روان‌شناسان از آن به‌عنوان زمان طوفان و فشار یاد کرده‌اند (Golestan et al., 2018). یکی از مشکلاتی که ممکن است سنین نوجوانی را تحت‌الشعاع قرار دهد، سوء رفتارهای اجتماعی است. سوء رفتارهای اجتماعی^۲ در نوجوانان به شرایطی اشاره دارد که پاسخ رفتاری- هیجانی نوجوان با هنجارهای فرهنگی، سنی و قومی تفاوت داشته باشد؛ به‌طوری‌که بر عملکرد تحصیلی فرد، مراقبت از خود، روابط اجتماعی و سازگاری فردی تأثیری منفی بگذارد (Shokohi Yekta and Parand, 2014). پژوهش‌ها نشان داده‌اند دانش‌آموزان با سوء رفتارهای اجتماعی به‌طور معنی‌داری، مستعد نشان دادن سطوح بالاتری از رفتارهای برونی‌سازی^۳ مثل پرخاشگری، مشاجره با دیگران و ناکامی هستند. این دانش‌آموزان اغلب فرصت کمتری دارند که به‌طور ویژه در فعالیت‌های کلاسی شرکت کنند، رفتار کلاسی مناسبی داشته باشند و شکلی از دوستی با هم‌تایان را نشان دهند (Wieden et al., 2016).

دانش‌آموزان با سوء رفتارهای اجتماعی، پیشرفت تحصیلی پایین و رفتار ناسازگارانه را تجربه می‌کنند و مشکلاتی در ایجاد و نگهداری روابط بین فردی دارند. آن‌ها در کلاس بیشتر شکست می‌خورند و اعمال تنبیهی مثل محرومیت و اخراج را بیشتر تجربه می‌کنند. آن‌ها نسبت به دیگر گروه‌های دانش‌آموزان با ناتوانی، بیشتر از مدرسه حذف می‌شوند (Cook et al., 2017). به نظر می‌رسد نوجوانان با سوء رفتارهای اجتماعی به برنامه‌های هدفمندی نیاز دارند و با توجه به اینکه آسیب‌پذیری در این سنین از یک‌طرف تحت تأثیر فرآیند پیشرونده رشد و از طرف دیگر تحت تأثیر کنترل شرایط محیطی و موقعیتی کودک توسط بزرگسالان اعم از والدین زیستی و اولیای مدرسه آن‌ها قرار دارد (Shafipour et al., 2015)، تعامل مدرسه و خانواده^۴ مشکلات سوء رفتار اجتماعی نوجوانان را در مسیر بهبود قرار می‌دهد. خانواده، به‌ویژه خانواده منسجم نقش مهمی در سازگاری نوجوانان ایفا می‌کند (Ghasemi et al., 2017). خانواده رکن و عامل اصلی اجتماعی شدن و فرهنگ‌پذیری نوجوانان به شمار می‌رود. در عرصه خانواده کودکان و نوجوانان به نحوی تربیت می‌شوند که در تمامی عمر خود، ضمن پذیرش جامعه، انتظارات جامعه از خود را به شیوه مخصوص خود برآورده می‌کنند که این شیوه ناشی از آموزه‌هایی است که فرد در بستر خانواده و نیز در رابطه با اجتماعی همچون مدرسه یاد می‌گیرد (Safaei Movahed and Bahadori, 2018).

Rahdar et al (2020) در مطالعه‌ای با عنوان «تحلیل مسیر فراغت خانواده به رشد اجتماعی با واسطه‌گری کیفیت ارتباط والد - نوجوان و کیفیت ارتباط با همسالان» که بر روی ۳۰۰ نفر از دانش‌آموزان پسر شهر زابل انجام شد، نشان دادند بین فراغت خانواده با ارتباط با همسالان، فراغت خانواده با ارتباط والد فرزندی، ارتباط با همسالان با رشد اجتماعی، ارتباط والد- فرزند با رشد اجتماعی

¹ Adolescence

² Social misbehaviors

³ Externalized behaviors

⁴ School-family-community partnerships

رابطه معنادار وجود دارد. همچنین متغیرهای ارتباط والد-فرزند و ارتباط با همسالان توانستند، نقش واسطه‌ای در رابطه بین فراغت خانواده و رشد اجتماعی ایفا کنند.

Smith et al (2020) در مطالعه‌ای با عنوان «فرا تحلیل تأثیرات مداخلات مشارکت خانواده - مدرسه بر عملکرد تحصیلی و اجتماعی-هیجانی» نشان دادند که برخی از مؤلفه‌های مداخله عملکرد اجتماعی - هیجانی (همچون ارتباط دو طرفه و حمایت رفتاری) برای دانش‌آموزان بزرگ‌تر مؤثرتر بودند. نقش تعدیلگری برای نژاد - قومیت پیدا نشد که نشان داد مؤلفه‌های مداخله مشارکت خانواده - مدرسه در بین شرکت‌کنندگان مؤثر بودند. به‌طور کلی، یافته‌ها از مداخلات مشارکت خانواده - مدرسه به نفع پیامدهای مربوط به جوانان حمایت کردند.

Chen (2019) در مطالعه‌ای با عنوان «درک ارتباط مدرسه و خانواده و عملکرد تحصیلی و رفتاری در دانش‌آموزان نوجوان در تایوان» نشان داد که سطح بالاتری از ارتباط مدرسه با خانواده با عملکرد تحصیلی پایین‌تر ارتباط دارد. همچنین ارتباط خانه - مدرسه و عملکرد تحصیلی و مشکلات رفتاری نوجوانان ممکن است تابعی از ماهیت ارتباط باشد که توسط خانواده یا مدرسه آغاز شده است.

Fabriano and Piley (2019) در مطالعه‌ای با عنوان «پدران و نقش آن‌ها در تعامل مدرسه و خانواده» نشان دادند موضوعات اصلی مورد توجه در تعامل پدر و مدرسه شامل حمایت از مهارت‌های بهبود یافته والدین و تدوین راهکارهای پدر محور برای بهبود مهارت‌های دانشگاهی و اجتماعی برای فرزند است. استراتژی‌هایی شامل مشارکت و حفظ پدران در مشارکت‌های مؤثر در مدرسه، با تأکید بر توسعه رویکردهایی که نیازهای خاص پدران و خانواده‌های آن‌ها را برآورده سازد، مورد بحث قرار گرفتند. تربیت بهینه نسل جدید، مرهون تعامل و مشارکت خانه و مدرسه به‌عنوان دو نهاد اساسی تربیتی است. مدارس، بدون مشارکت والدین نمی‌توانند آن‌گونه که باید، در تربیت دانش‌آموزان موفق باشند و این نیاز اجتناب‌ناپذیر از وجه دیگر برای خانواده نیز مصداق دارد (Mirkamali, 2018).

بی‌توجهی به مدل ارتقاء تعامل خانه و مدرسه موجب می‌شود رابطه خانه و مدرسه رو به ضعف و سستی گذاشته و دانش‌آموزان مسیری مطلوب و ثمربخش را طی نکنند زیرا رابطه خانه و مدرسه همچون جسم و جان درهم تنیده شده است و سلامت روانی و اجتماعی هر کدام، تضمین گر سلامت وجود دیگری است. زمانی که نحوه تعامل این دو نهاد با دانش‌آموز یکسان باشد (از جهت مثبت) و انتظارات واحدی از او داشته باشند، سیر تربیت از ثبات و استحکام لازم برخوردار خواهد شد (Gohari et al., 2015). از سویی دیگر آنچه محقق را به سمت ارائه مدل ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده سوق داده این است که بررسی‌های پژوهشگر نشان می‌دهد الگوی مدونی برای ارتقای سطح کیفی عملکرد مدرسه در تعامل با خانواده به‌ویژه در جهت پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان وجود ندارد. برای نیل به این هدف، پیروی از دستورالعمل‌ها و پروتکل اجرایی مستدل و مبتنی بر یک مدل علمی و آزمون شده ضروری است. مروری بر ادبیات نظری تحقیق و فقدان مدل مناسب پیرامون ارتقای تعامل مدرسه و خانواده که نیازهای نوجوانان را مورد توجه قرار داده باشد و با فرهنگ ایرانی اسلامی هماهنگ باشد، گواهی است بر اهمیت پرداختن به آن و خلأ پژوهش‌های تجربی در این زمینه، بر این مهم می‌افزاید؛ بنابراین این مطالعه با هدف تبیین ابعاد و مولفه‌های ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان با رویکرد کیفی می‌پردازد.

روش شناسی

روش شناسی پژوهش کیفی مبتنی بر نظریه داده بنیاد (گرند تئوری) و تحلیل مضمون کتب و مقالات مرتبط با موضوع بود. جامعه آماری ۱۰ نفر از متخصصانی که در زمینه مدیریت آموزشی کار پژوهشی انجام داده و خبرگان و صاحب‌نظران و اساتید حوزه مدیریت آموزشی و علوم تربیتی در دانشگاه بودند، انتخاب و مصاحبه با آن‌ها انجام شد. روش نمونه‌گیری به صورت هدفمند بود تجزیه و تحلیل داده‌های کیفی با استفاده از فرایند کدگذاری مبتنی بر طرح نظام مند راهبرد نظریه داده بنیاد (Corbin and Strauss, 2008)، انجام شد. به بیان Strauss and Corbin (1998) در راهبرد داده بنیاد می‌توان واحدهای معنادار را در گزاره‌های اولیه و گزاره‌های اولیه را در مقولات و دسته‌های مفهومی و مقولات را در مقولات و کدهایی با درجه انتزاع بالا طبقه‌بندی کرد و در نهایت به رابطه، تأثیر یا تفاوت این مجموعه‌های ایجاد شده با یکدیگر در قالب تولید و ساخت قضا یا پرداخت. در این مرحله، با استفاده از تحلیل محتوای آشکار و پنهان به

صورتی نظام‌دار، عینی و کمی برای اندازه‌گیری متغیرها به تجزیه و تحلیل در اسناد و متون پرداخته و یافته‌ها از متن استخراج می‌گردد. نرم افزار اجرای تحلیل MAXQDA 2018 بود.

یافته‌ها

جهت پاسخگویی به این سؤال که ابعاد و مؤلفه‌ها و شاخص‌های ارتقای تعامل مدرسه و خانواده کدام است؟ از روش داده بنیاد (گرایند تئوری) با استفاده از کد گذاری باز، محوری و انتخابی به بررسی شرایط علی، زمینه ای، پیامدی و راهبردی پرداخته شد. الف) کدگذاری باز: در کد گذاری باز از بخش سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان ۱۱ کد، خانواده ۶ کد، مدرسه ۳۱ کد، ارتقای تعامل مدرسه و خانواده ۵۴ کد، نظریه‌ها و مدل‌های تعامل مدرسه و خانواده ۱۳ کد، پیشینه پژوهش ۲۹ کد به دست آمده است. در جدول ۱ فراوانی و تکرار کدها نمایش داده شده است. بررسی این کدها نیز نشان می‌دهد در ادبیات پژوهش از خانواده به عنوان نهاد مکمل مدرسه یاد شده و می‌تواند کاستی‌های موجود در مدرسه یا ایرادات ناشی از سیاست گذاری‌های کلان و فرهنگ سنتی روابط مدرسه و خانواده را تا حدودی مرتفع نماید.

جدول ۱. تجمیع کدهای باز

۵	کاستی در عملکردهای درونی و بیرونی آموزش و پرورش	۸	احترام به مشارکت دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان
۴	کاهش علاقه نسبت به مدرسه	۳	احساس تعلق و دلبستگی به مدرسه
۳	کلاس‌های آموزشی برای والدین	۳	احساس فشار در نوجوانان طبقات پایین در مدرسه
۵	کم رنگ شدن حضور انجمن در مدارس	۵	ارتباط ضعیف با آموزگاران
۶	کمبود نقش‌های مشارکتی	۷	ارتباط مستمر اولیا با مدرسه
۴	کمک مدارس در رفع مشکل خانوادگی دانش‌آموزان	۵	اعتماد ناکافی مدیران آموزشی نسبت به مردم
۶	کمک والدین در شناخت مشکلات دانش‌آموزان	۳	انضباط و نظارت‌های رسمی شدید مدرسه
۴	کنترل، نظارت و انضباط ضعیف در مدارس	۶	بررسی و ارزیابی روش‌های آموزشی
۷	گسترش مشارکت انجمن اولیا در مدرسه	۸	به کارگیری روش‌های گفتگویی و اقناعی در رابطه با والدین
۵	متناسب بودن آموزش با نیاز جوامع	۴	تأثیر مدرسه بر هم‌نوایی نوجوانان و جوانان
۴	مدرسه‌گریزی	۷	تخصیص بودجه و منابع ناکافی به فعالیت‌ها
۷	مشارکت والدین از طریق تبادل نظر نزدیک و مستمر با اولیا	۷	تمایل و انگیزه برای یادگیری در والدین
۸	مشارکت والدین از طریق شرکت فعال در برنامه‌های آموزشی و تربیتی	۷	توجه به ویژگی‌های روانی دانش‌آموزان
۸	مشارکت والدین در آموزش فرزندان	۶	حفظ آرامش والدین هنگام حضور در مدرسه
۶	مشارکت والدین در مدرسه از طریق کمک مالی	۷	حمایت خانوادگی
۸	مکمل بودن خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی	۸	حمایت و رضایت از مدرسه
۵	نابسامانی و موازی کاری در واحدهای اداری ذی‌ربط برای جلب مشارکت	۶	خودپنداری‌های تحصیلی دانش‌آموزان
۶	ناتوانی مدیران در بهره‌برداری از ظرفیت سازمانی	۴	درک و رفع مشکلات معلمان و کارکنان
۵	نارضایتی از تجربه آموزشی	۶	رفع کاستی‌های ناشی از سیاست‌گذاری‌های کلان اداری و آموزشی
۸	نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان	۷	روابط گرم و محبت آمیز بین والدین و فرزندان
۷	نقش مدرسه در ابراز وجود دانش‌آموزان	۷	سبک‌های فرزند پروری والدین
۸	نقش مدرسه در جامعه‌پذیری دانش‌آموزان	۷	سهیم کردن خانواده‌ها در آموزش و پرورش
۶	نقش مدرسه در سلامت روان دانش‌آموزان	۶	شانه خالی کردن از مسئولیت

۷	نقش مدرسه در گسترش روابط اجتماعی دانش آموزان	۷	شرکت در کلاس‌های آموزشی مناسب
۵	نقش مدرسه در وحدت و همبستگی اجتماعی	۸	شرکت منظم والدین در جلسات انجمن اولیاء و مربیان
۶	نقش نظارتی والدین در رابطه با مدرسه	۳	شکست تحصیلی
۷	والدین فاقد مهارت‌های تربیتی	۶	شناخت تأثیرات ناشی از فرهنگ خانواده بر عملکرد دانش آموز
۵	وجود وحدت درونی در خانواده	۵	ضرورت وجود وحدت رویه در خانواده
۷	یادگیری مهارت‌هایی خاص در جهت تعامل با مدرسه	۶	عدم پذیرش مربیان بوسیله خانواده‌ها
		۴	عدم پذیرش والدین توسط مربیان

ب) کدگذاری محوری: با توجه به نظر Lincoln and Guba (2010)، مقولاتی که با یکدیگر ارتباط معناداری دارند در قالب یک مفهوم انتزاعی (با بالاترین درجه انتزاع) به نام کد محوری دسته‌بندی می‌شود، در این بخش از تلخیص اطلاعات انجام می‌پذیرد. اکنون محقق در یکی از مهمترین گام‌های پژوهش به سراغ رابطه معناداری از این مقولات برای تشکیل بلوک‌ها یا همان کدهای محوری می‌رود. این کدها در پژوهش حاضر عبارتند از: شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط پیامدی، عوامل مداخله‌گر و راهبردها. شرایط علی: عواملی هستند که بر روی مقوله اصلی تأثیر می‌گذارند و به وقوع یا گسترش آن منجر می‌شوند. راهبردها: مبتنی بر کنش‌ها و واکنش‌هایی هدفمند برای اداره، کنترل و برخورد با پدیده مورد نظر هستند. عوامل مداخله‌گر: همواره عواملی وجود دارند که در مسیر دستیابی راهبردها به پیامدها چالش ایجاد می‌کنند یا آن را تسهیل می‌نمایند. شرایط زمینه‌ای: شرایط ساختاری است که به پدیده تعلق دارند و بر راهبردهای کنشی و واکنشی اثر می‌گذارند. آن‌ها راهبردها را در درون زمینه خاصی سهولت داده و یا محدود و مقید می‌کنند.

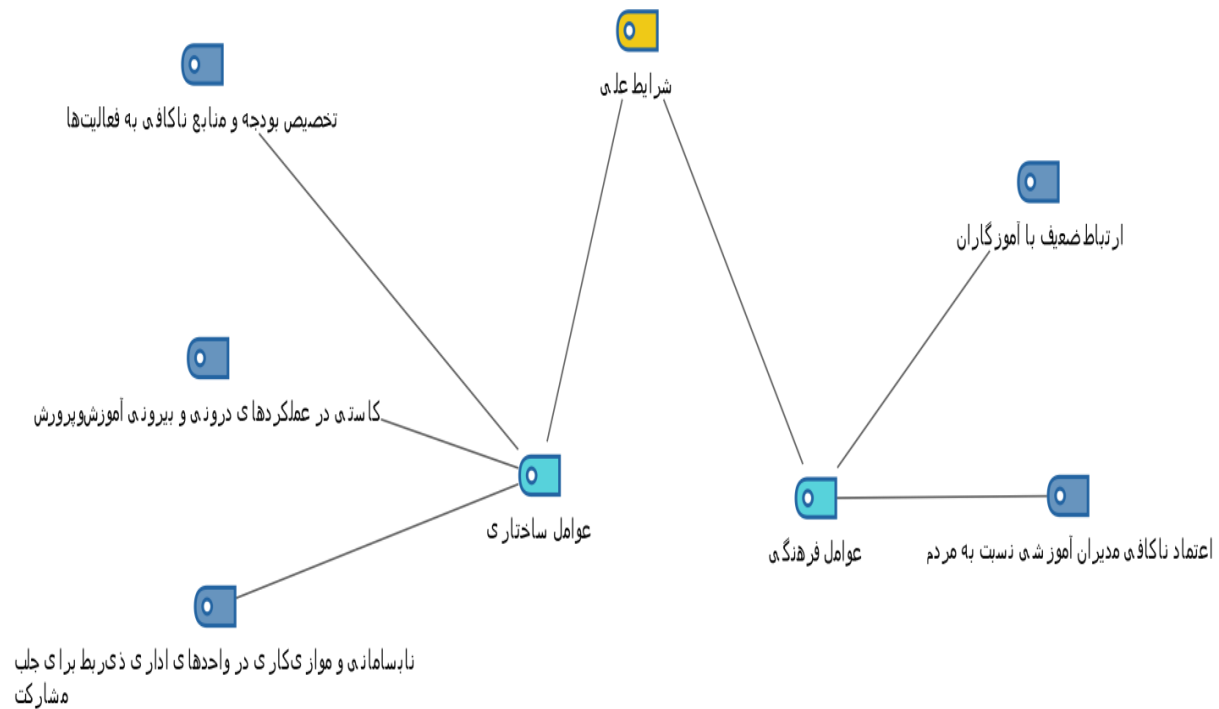
شرایط پیامدی: نتایجی هستند که در اثر راهبردها پدیدار می‌شوند و همواره نمی‌توان آن‌ها را پیش‌بینی کرد و الزاماً همان‌هایی نیستند که از ابتدا مدنظر بوده باشند. در مجموع در این مرحله ۵۹ کد شناسایی گردید که شامل ۸ مورد عوامل مداخله‌گر، ۱۵ مورد راهبردها، ۱۳ مورد شرایط پیامدی، ۱۸ مورد شرایط زمینه‌ای و ۵ مورد شرایط علی می‌باشد.

ج) کدگذاری انتخابی: فرآیند تجزیه و تحلیل داده‌ها مطابق با نظریات مکتب گلیسر تنها در دو مرحله کدگذاری اولیه (کدگذاری باز) و کدگذاری متمرکز (کدگذاری محوری) خلاصه می‌شود؛ اما در مکتب اشتراوس و کوربین گام سوم به نام کدگذاری انتخابی وجود دارد. در این پژوهش طبق مکتب Strauss and Corbin (1998)؛ در کدگذاری باز و محوری ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در مرحله کدگذاری محوری مدل پژوهش با ارائه شرایط علی، زمینه‌ای، راهبردها، شرایط پیامدی و چالش‌ها ارائه گردید. در کدگذاری گزینشی که نتایج گام‌های قبلی فرآیند کدگذاری است به ارتباط مقوله اصلی با سایر محورها به شکل نظام مند و فرموله شده پرداخته می‌شود، در این قسمت ارتباطات اعتبار یافته و مقوله‌هایی که نیاز به تصفیه و توسعه بیشتری دارند توسعه داده می‌شوند (Strauss and Corbin, 1998).

در این مرحله، شرایط مختلفی که در مرحله کدگذاری محوری بیان شده باهم ادغام می‌شوند و تجزیه و تحلیل کلی انجام می‌شود. رویکرد تئوری «داده بنیاد» تولید روابط مفهومی است نه سنجش‌پذیر. پس قضایای نظری حاصل از این فرآیند که متضمن روابط مفهومی بین یک طبقه و طبقات معینی هستند برای بررسی رابطه بین طبقات اصلی بکار گرفته می‌شوند. در پژوهش حاضر، پنج قضیه نظری بر اساس ارکان مدل پارادایمی بدست آمده، ارائه شده است:

قضیه اول: در قسمت عوامل علی تعامل بین مدرسه و خانواده متأثر از عوامل ساختاری و فرهنگی می‌باشد.

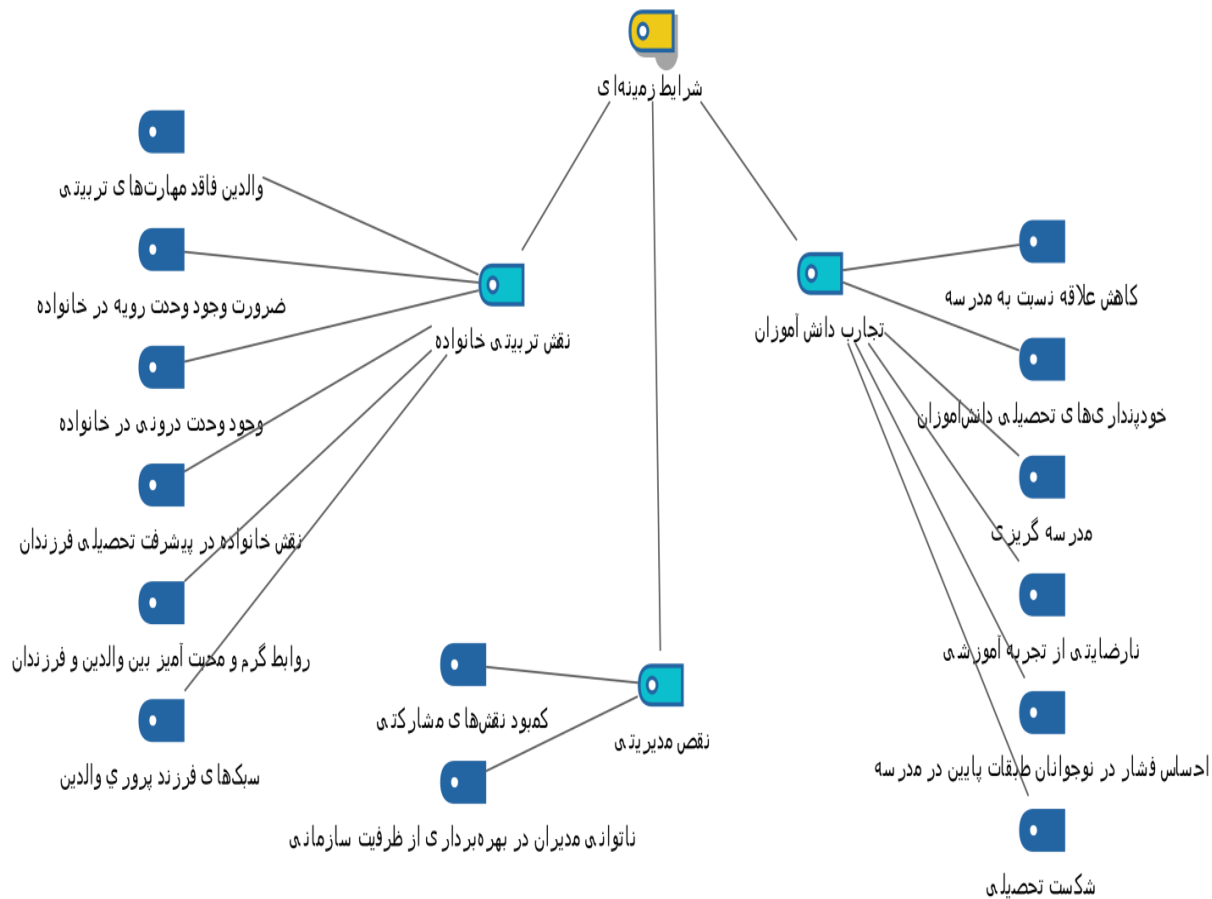
مطابق با شکل ۱ عوامل ساختاری با زیر مقوله‌های؛ تخصیص بودجه و منابع ناکافی به فعالیت‌ها، کاستی در عملکردهای درونی و بیرونی آموزش و پرورش و نابسامانی و موازی‌کاری در واحدهای اداری ذی‌ربط برای جلب مشارکت می‌باشد. همچنین عوامل فرهنگی با زیر مقوله‌های ارتباط ضعیف با آموزگاران و اعتماد ناکافی مدیران آموزشی نسبت به مردم می‌باشد.



شکل ۱. شرایط علی مدل تعامل خانواده و مدرسه

قضیه دوم: در قسمت عوامل زمینه‌ای تعامل بین مدرسه و خانواده متأثر از تجارب دانش‌آموزان، نقص مدیریتی و نقش تربیتی خانواده می‌باشد.

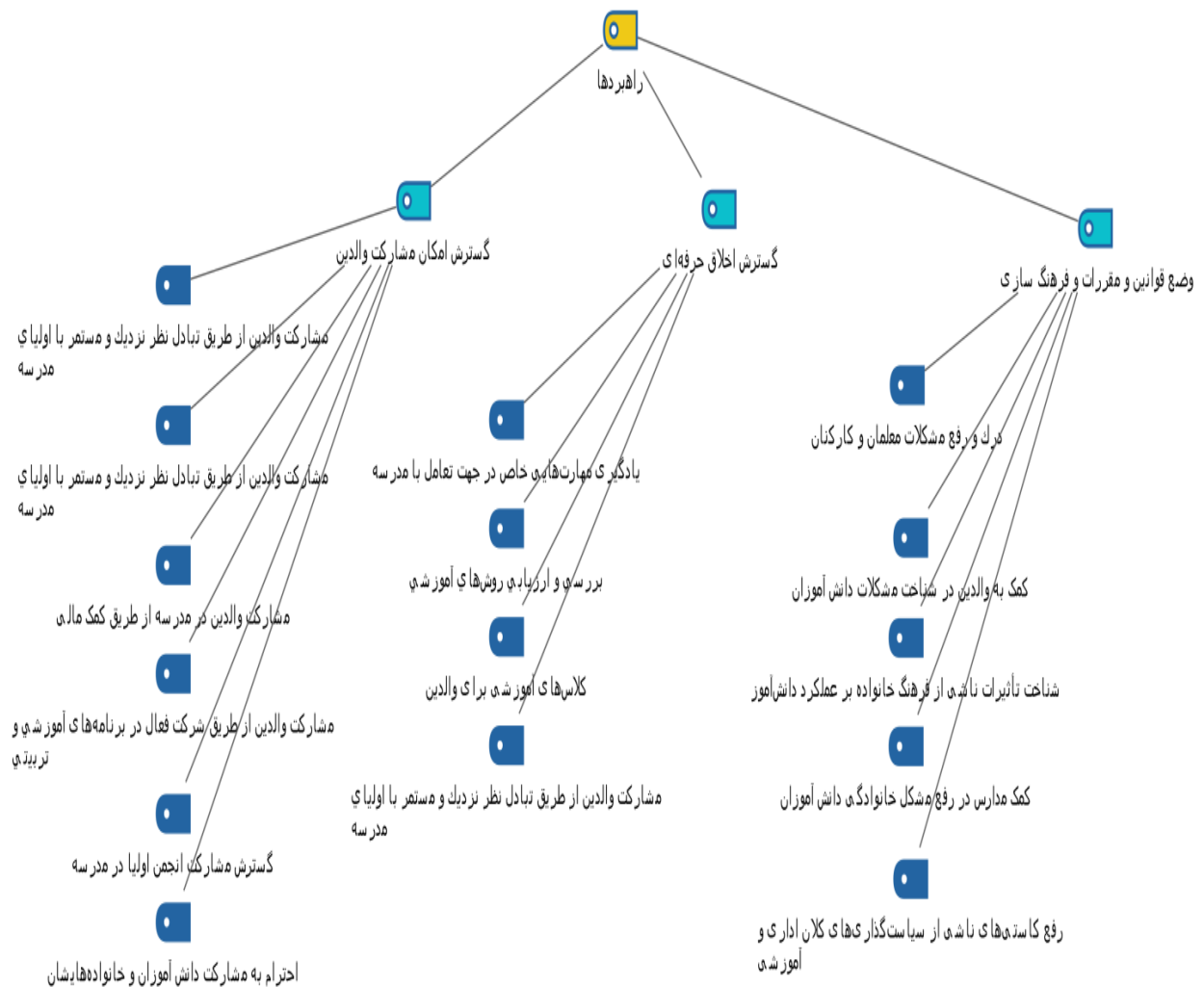
مطابق با شکل ۲ تجارب دانش‌آموزان شامل مدرسه‌گریزی، نارضایتی از تجربه آموزشی، احساس فشار در نوجوانان طبقات پایین در مدرسه، شکست تحصیلی، خودپنداری‌های تحصیلی دانش‌آموزان و کاهش علاقه نسبت به مدرسه است. همچنین نقص مدیریتی شامل ناتوانی مدیران در بهره‌برداری از ظرفیت‌های مشارکتی و کمبود نقش‌های مشارکتی است. نقش تربیتی خانواده شامل: والدین فاقد مهارت‌های تربیتی، ضرورت وجود وحدت رویه در خانواده، وجود وحدت درونی در خانواده، نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان، روابط گرم و محبت‌آمیز بین والدین و فرزندان، سبک‌های فرزند‌پروری والدین می‌باشد.



شکل ۲. عوامل زمینه‌ای تعامل بین مدرسه و خانواده

قضیه سوم: در قسمت عوامل راهبردی تعامل بین مدرسه و خانواده متأثر از گسترش امکان مشارکت والدین، گسترش اخلاق حرفه‌ای و وضع قوانین و مقررات و فرهنگ سازی می‌باشد.

مطابق با شکل ۳ گسترش امکان مشارکت والدین شامل احترام به مشارکت دانش‌آموزان و خانواده‌هایشان، گسترش مشارکت انجمن اولیا در مدرسه، مشارکت والدین از طریق شرکت فعال در برنامه‌های آموزشی و تربیتی، مشارکت والدین در مدرسه از طریق کمک مالی، مشارکت والدین از طریق تبادل نظر نزدیک و مستمر با اولیای مدرسه و شرکت منظم والدین در جلسات انجمن اولیاء و مربیان است. همچنین گسترش اخلاق حرفه‌ای شامل به کارگیری روش‌های گفتگویی و اقناعی در رابطه با والدین، کلاس‌های آموزشی برای والدین، بررسی و ارزیابی روش‌های آموزشی و یادگیری مهارت‌هایی خاص در جهت تعامل با مدرسه است. وضع قوانین و مقررات و فرهنگ سازی شامل کمک به والدین در شناخت مشکلات دانش‌آموزان، درک و رفع مشکلات معلمان و کارکنان، کمک مدارس در رفع مشکل خانوادگی دانش‌آموزان، شناخت تأثیرات ناشی از فرهنگ خانواده بر عملکرد دانش‌آموز و رفع کاستی‌های ناشی از سیاست‌گذاری‌های کلان اداری و آموزشی است.



شکل ۳. عوامل راهبردی تعامل بین مدرسه و خانواده

قضیه چهارم: در قسمت عوامل مداخله‌گر تعامل بین مدرسه و خانواده متأثر از چالش‌ها که شامل ۱- عدم همکاری با خانواده با مربیان ۲- کمبود منابع مالی خانواده ۳- کمبود نیرو متخصص می‌باشد. چالش‌ها شاخص‌شانه خالی کردن از مسئولیت، انضباط و نظارت‌های رسمی ضعیف یا شدید مدرسه، عدم پذیرش والدین توسط مربیان، عدم پذیرش مربیان به‌وسیله خانواده‌ها و کم‌رنگ شدن حضور انجمن اولیا و مربیان در مدارس می‌باشد.

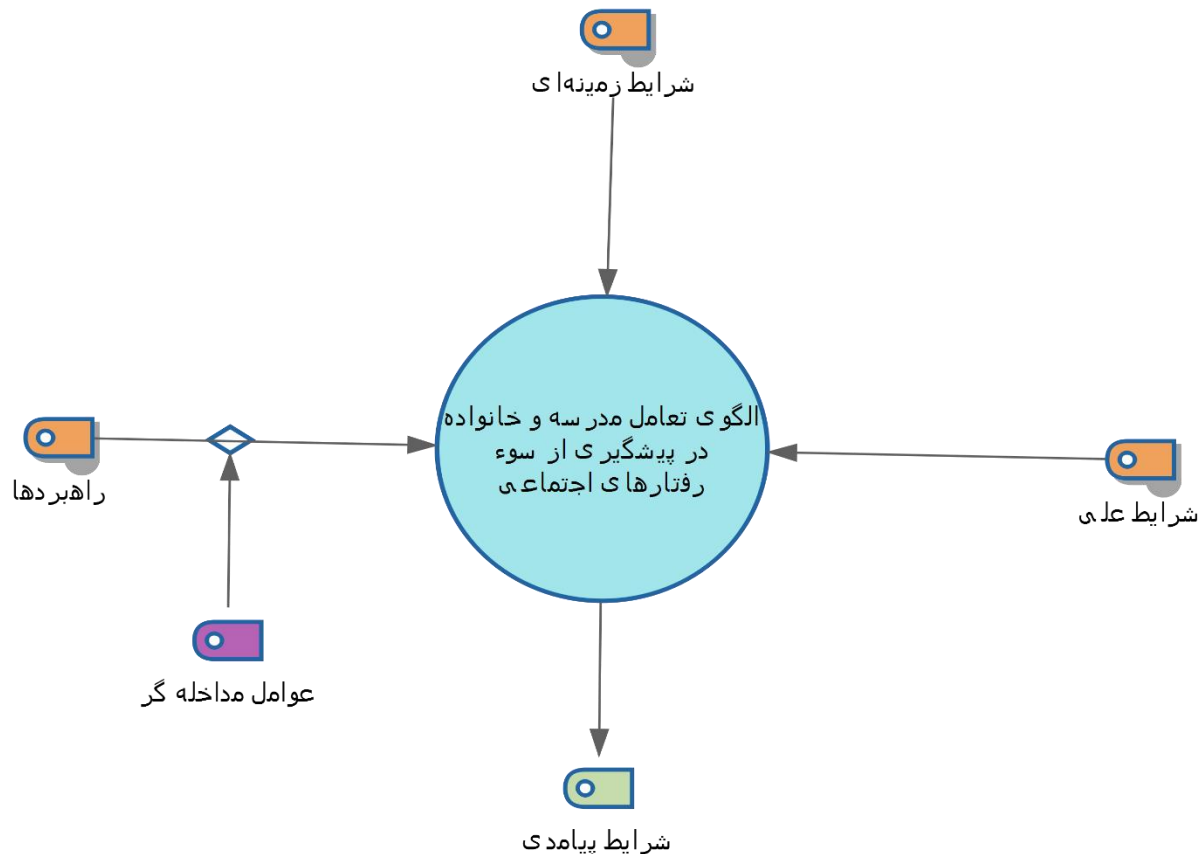
قضیه پنجم: پیامدهای حاصل از تعامل بین مدرسه و خانواده شامل پیامدهای اجتماعی و پیامدهای آموزشی می‌باشد. پیامدهای اجتماعی شامل نقش مدرسه در جامعه پذیری دانش‌آموزان، نقش مدرسه در سلامت روان دانش‌آموزان، نقش مدرسه در گسترش روابط اجتماعی دانش‌آموزان، نقش مدرسه در وحدت و همبستگی اجتماعی، تأثیر مدرسه بر هم‌نوایی نوجوانان و جوانان، نقش مدرسه در ابراز وجود دانش‌آموزان، توجه به ویژگی‌های روانی دانش‌آموزان، مکمل بودن خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی، سهیم کردن خانواده‌ها در آموزش و پرورش، ارتباط مستمر اولیا با مدرسه، حفظ آرامش والدین هنگام حضور در مدرسه است. همچنین پیامدهای آموزشی شامل متناسب بودن آموزش با نیاز جوامع، شرکت در کلاس‌های آموزشی مناسب، تمایل و انگیزه برای یادگیری در والدین، مشارکت والدین در آموزش فرزندان، نقش نظارتی والدین در رابطه با مدرسه، احساس تعلق و دلبستگی به مدرسه و حمایت و رضایت از مدرسه است.

طبقات به دست آمده مدل ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان در جدول ۲ و شکل ۴ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۲. ابعاد و مؤلفه‌های مدل تعامل مدرسه و خانواده

ردیف	ابعاد	مؤلفه‌ها	شاخص‌ها
۱.	شرایط علی	عوامل ساختاری	تخصیص بودجه و منابع ناکافی به فعالیت‌ها
۲.			کاستی در عملکردهای درونی و بیرونی آموزش و پرورش
۳.			نابسامانی و موازی کاری در واحدهای اداری ذی ربط برای جلب مشارکت
۴.		عوامل فرهنگی	ارتباط ضعیف با آموزگاران
۵.			اعتماد ناکافی مدیران آموزشی نسبت به مردم
۶.	شرایط زمینه‌ای	تجارب دانش آموزان	مدرسه‌گریزی
۷.			نارضایتی از تجربه آموزشی
۸.			احساس فشار در نوجوانان طبقات پایین در مدرسه
۹.			شکست تحصیلی
۱۰.			خودپنداری‌های تحصیلی دانش آموزان
۱۱.			کاهش علاقه نسبت به مدرسه
۱۲.		نقص مدیریتی	ناتوانی مدیران در بهره‌برداری از ظرفیت سازمانی
۱۳.			کمبود نقش‌های مشارکتی
۱۴.		نقش تربیتی خانواده	سبک‌های فرزند پروری والدین
۱۵.			روابط گرم و محبت‌آمیز بین والدین و فرزندان
۱۶.			نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی فرزندان
۱۷.			وجود وحدت درونی در خانواده
۱۸.			ضرورت وجود وحدت رویه در خانواده
۱۹.			والدین فاقد مهارت‌های تربیتی
۲۰.	شرایط پیامدی	عوامل اجتماعی	نقش مدرسه در جامعه پذیری دانش آموزان
۲۱.			نقش مدرسه در سلامت روان دانش آموزان
۲۲.			نقش مدرسه در گسترش روابط اجتماعی دانش آموزان
۲۳.			نقش مدرسه در وحدت و همبستگی اجتماعی
۲۴.			تأثیر مدرسه بر هم‌نوایی نوجوانان و جوانان
۲۵.			نقش مدرسه در ابراز وجود دانش آموزان
۲۶.			توجه به ویژگی‌های روانی دانش آموزان
۲۷.			مکمل بودن خانه و مدرسه در انجام وظایف تربیتی
۲۸.			سهیم کردن خانواده‌ها در آموزش و پرورش
۲۹.			ارتباط مستمر اولیا با مدرسه
۳۰.			حفظ آرامش والدین هنگام حضور در مدرسه
۳۱.		عوامل آموزشی	متناسب بودن آموزش با نیاز جوامع
۳۲.			شرکت در کلاس‌های آموزشی مناسب
۳۳.			تمایل و انگیزه برای یادگیری در والدین
۳۴.			مشارکت والدین در آموزش فرزندان
۳۵.			نقش نظارتی والدین در رابطه با مدرسه
۳۶.			احساس تعلق و دلبستگی به مدرسه
۳۷.			حمایت و رضایت از مدرسه

گسترش مشارکت انجمن اولیا در مدرسه	گسترش امکان مشارکت والدین	راهبردها	۳۸
احترام به مشارکت دانش آموزان و خانواده‌هایشان			۳۹
مشارکت والدین از طریق شرکت فعال در برنامه‌های آموزشی و تربیتی			۴۰
مشارکت والدین در مدرسه از طریق کمک مالی			۴۱
مشارکت والدین از طریق تبادل نظر نزدیک و مستمر با اولیای مدرسه			۴۲
شرکت منظم والدین در جلسات انجمن اولیاء و مربیان			۴۳
به کارگیری روش‌های گفتگویی و اقناعی در رابطه با والدین	گسترش اخلاق حرفه‌ای		۴۴
کلاس‌های آموزشی برای والدین			۴۵
بررسی و ارزیابی روش‌های آموزشی			۴۶
یادگیری مهارت‌هایی خاص در جهت تعامل با مدرسه			۴۷
کمک والدین در شناخت مشکلات دانش آموزان	وضع قوانین و مفررات و فرهنگ سازی		۴۸
درک و رفع مشکلات معلمان و کارکنان			۴۹
کمک مدارس در رفع مشکل خانوادگی دانش آموزان			۵۰
شناخت تأثیرات ناشی از فرهنگ خانواده بر عملکرد دانش آموز			۵۱
رفع کاستی‌های ناشی از سیاست‌گذاری‌های کلان اداری و آموزشی			۵۲
شانه خالی کردن از مسئولیت	چالش‌ها شامل:	عوامل مداخله‌گر	۵۳
انضباط و نظارت‌های رسمی ضعیف یا شدید مدرسه	عدم همکاری با خانواده با مربیان		۵۴
عدم پذیرش والدین توسط مربیان	کمبود منابع مالی خانواده		۵۵
عدم پذیرش مربیان بوسیله خانواده‌ها	کمبود نیرو متخصص		۵۶
کم رنگ شدن حضور انجمن اولیا و مربیان در مدارس			۵۷



شکل ۴. مدل کیفی ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان با رویکرد داده بنیاد

بحث و نتیجه گیری

رفتارهای تهدیدکننده سلامتی یکی از مهمترین چالش‌های بهداشتی و روانی اجتماعی هستند که اکثر کشورهای جهان به‌نوعی با آن درگیر هستند و مشکلات گسترده و شدیدی را بر جوامع تحمیل می‌نمایند. علیرغم تلاش‌های بسیاری که در دو دهه اخیر در جهت افزایش آگاهی عمومی نسبت به آسیب و تهدید سوء رفتارهای اجتماعی صورت گرفته است، همچنان افزایش روزافزون این رفتارها به‌ویژه در میان جوانان و نوجوانان به چشم می‌خورد. در نظام‌های آموزشی، مسائل پرورشی و رفتاری مقوله‌های مهمی هستند که شعاع درگیری و تأثیرگذاری آن‌ها از چارچوب آموزش رسمی فراتر می‌رود و کل زندگی را در برمی‌گیرد. از سویی ارتباط مؤثر و قوی بین خانه و مدرسه و افزایش مشارکت والدین امری ضروری به شمار رفته و یکی از پیامدهای ارتقای سطح کیفی و کمی تعامل مدرسه، پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی دانش‌آموزان (به‌ویژه نوجوانان) است. در این پژوهش محقق تلاش نموده تا به این هدف اصلی که ارائه مدل ارتقاء تعامل مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان با توجه به دیدگاه معلمان و مدیران مدارس شهر تهران بپردازد.

براساس نتایج تحقیق که با رویکرد داده بنیاد بوده از عوامل شرایط علی؛ عامل ساختاری و عامل فرهنگی شناسایی گردید. در این باره می‌توان گفت که تأثیر مدرسه از خانواده باید به شکل اهتمام به افزایش میزان آگاهی از شرایط و بستر فرهنگی دانش‌آموز و درنظر گرفتن بازتاب آن بر رفتارهای کلاسی معلم و رفتارهای فراکلاسی در سطح مدرسه باشد. لازمه تغییر شرایط فرهنگی به‌کارگیری این نظام آموزشی بر رفتارها و رویه‌های جاری در خانواده، روش‌های گفتگویی و اقناعی و نه تجویزی و تحکمی به اجرا

گذاشته شود. یکی از مهمترین راه‌های پیشگیری افراد از انحراف، درونی کردن ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته شده یک جامعه است. به طوری که جامعه‌شناسان معتقدند بین میزان فرهنگ‌پذیری و کاهش میزان انحراف و جرم در یک جامعه، رابطه مستقیمی وجود دارد و یکی از علل افزایش نرخ انحراف، فرهنگ‌پذیری ناقص افراد است. همچنین در بررسی عوامل ساختاری باید کارکردگرایی ساختارهای گوناگون خانواده از نظر ترکیب اعضا مورد بررسی قرار بگیرد. این نتایج با تحقیقات محققانی همچون Zakeri Kalat (2014) در مطالعه‌ای با عنوان «تعامل خانواده و اولیاء مدرسه- تعامل پویا و اثربخش» نشان داد همکاری خانه و مدرسه در فعالیت‌هایی که مکمل یکدیگر باشند، منجر به رشد همه جانبه کودک خواهد شد. او دریافت که خانواده به‌عنوان یک نهاد اولیه می‌تواند به پرورش انسان‌هایی کمک کند تا بتوانند در یک جامعه چند فرهنگی به هم‌زیستی و حیات بپردازند. Radavi (2016) در مطالعه‌ای با عنوان «مشارکت مدرسه - خانواده در پیشگیری از رفتار اعتیادآور نوجوانان» پرداخت. این مطالعه بر دشواری‌های معلمان پیرامون تقابل با خانواده دانش‌آموزی که از مواد استفاده می‌کند و نیز دوگانگی‌های مداخلات لازم تمرکز داشت. Ramdas and Louise (2012)، آن‌ها دریافتند که روابط مدرسه با خانه و جامعه، ویژگی‌های معلم، کیفیت برنامه درسی و فرهنگ مدرسه بر عملکرد تحصیلی نوجوانان دارای تأثیر می‌باشند.

نتایج شرایط زمینه‌ای بدست آمده تحقیق شامل: تجارب دانش‌آموزان، نقص مدیریتی، نقش تربیتی خانواده می‌باشد. در این باره می‌توان گفت که گاهی شبکه ارتباطی درون خانواده گسیخته می‌شود، نظام روابط مختل می‌گردد و در نتیجه تعادل عاطفی و روانی اعضای خانواده به هم می‌خورد. این از هم‌گسیختگی، نه تنها تربیت خانواده را مختل می‌کند، بلکه مانع ارتباط خانه و مدرسه نیز می‌شود چراکه در این صورت، خانواده نخواهد توانست نقش تربیتی خود را به نحو مطلوب ایفا کند و در نتیجه قادر نخواهد بود ارتباط مؤثر با مدرسه که نقش تربیتی دیگری انجام می‌دهد، برقرار نماید. همچنین موانع تعامل مدرسه و خانواده، می‌توان به اعتماد ناکافی مدیران آموزشی نسبت به مردم، به‌ویژه صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم‌وتربیت و اهل فن ذکر نمود. نتایج این تحقیق با پژوهشگرانی همچون Mirkamali (2018) که نقص مدیریتی در آموزش و پرورش ذکر می‌نماید و رفع کاستی‌های ناشی از سیاست‌گذاری‌های کلان اداری و آموزشی و نیز اصلاح قوانین و مقررات فعلی، در راستای قبول و پذیرش والدین در نظام آموزشی مورد تأیید قرار می‌دهد. Hammond, et al. (2015) دریافتند که رفتار اجتماعی دانش‌آموزان برای کیفیت زندگی روزانه در مدرسه مهم است. چراکه هم رفتارهای اجتماعی و هم رفتارهای ضد اجتماعی دانش‌آموزان بر سایر همکلاسی‌ها اثر می‌گذارد. Dargahi, et al. (2014) دریافتند که شیوع رفتارهای پرخطر در خانواده‌های تک والدی بیشتر از خانواده‌های عادی است. Shokri, et al. (2015) دریافتند سبک فرزندپروری اقتدارگرا یکی از عوامل مؤثر در پیشگیری و حفاظت نوجوانان از سوء رفتارهای اجتماعی است. نتایج شرایط پیامدی شامل: عوامل اجتماعی، عوامل آموزشی می‌باشد. در این باره می‌توان گفت سوء رفتارها و چالش‌های ارتباطی - اجتماعی می‌تواند روابط اجتماعی در تعاملات کلامی و غیرکلامی، بازی، درک اهداف و مقاصد دیگران، تنظیم هیجان، مهارت‌های یادگیری و ابعاد دیگر را تحت تأثیر قرار دهد و مشکلات رفتاری گسترده‌ای را دامن می‌زند. محیط مدرسه در شکل‌دهی شخصیت دانش‌آموزان نقش به‌سزایی دارد. نهاد آموزش و پرورش نهاد رسمی است که در جامعه وظیفه آموزش، فرهنگ، دانش و فنون را به عهده دارد و از این رو مهم‌ترین تلاش برای از بین بردن فاصله فاحش طبقاتی در جامعه، تعمیم آموزش و پرورش برای تک‌تک افراد است. همچنین برنامه‌های مبتنی بر تمرکز مدرسه بر حمایت از رشد شناختی کودکان و مهارت‌های اجتماعی و مهارت‌هایی در خصوص حل مشکلاتشان و کنترل خود و اداره فشارهای وارد بر آنان و با ایجاد کلاس‌هایی برای والدین به‌منظور آموزش آن‌ها در زمینه پاداش دادن و تشویق رفتارهای مطلوب کودکان، می‌توانند کمک به کاهش مشکلات رفتاری کودکان نماید. همچنین نارضایتی از تجربه آموزشی کودکان، عمدتاً منشأ ارتکاب انواع جدی‌تر کج‌روی را هم در داخل و هم در بیرون از مدرسه فراهم می‌نماید.

از این تحقیقات محققانی همچون Piller, et al. (2018) در مطالعه‌ای با عنوان «بهبود سازگاری با همسالان کودک در خانواده‌های نظامی از طریق آموزش والدین: نقش میانجی منبع کنترل والدین» نشان دادند منبع کنترل با بهبود سازگاری با همسالان رابطه مثبت داشت و بعد از ۱۲ هفته مداخله سازگاری با همسالان و منبع کنترل والدین بهبود یافتند. Schelling, et al.

(2017) در مطالعه‌ای با عنوان «بهبود رابطه والد و کودک و کاهش مشکلات رفتاری» از آموزش والدین با تلفیقی از شیوه‌های رفتاری و دیگر روش‌های روان‌شناختی استفاده کرد. محققان دریافته‌اند ارائه چنین آموزش‌هایی مشکلات رفتاری کودکان را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر سبب ایجاد نگرش مثبت بیشتر والدین درباره کودکانشان می‌شود. Barlow, et al. (2016) در مطالعه‌ای با عنوان «برنامه آموزش والدین گروهی برای بهبود سازگاری هیجانی و رفتاری در نوجوانان» نشان دادند مداخله مذکور موجب بهبود سازگاری هیجانی و رفتاری در نوجوانان شد. Mohammadi, et al. (2018) در مطالعه‌ای با عنوان «نقش خانواده، مدرسه و رسانه در پیشگیری از وقوع جرم با تأکید بر معیارهای بین‌المللی حاکم بر تعهد دولت‌ها در آموزش افراد» نشان دادند بهبود نظام آموزشی و گنجاندن دروس مروج قانون و قانون‌پذیری در کتب درسی و استفاده از برنامه‌های حمایتی ناظر به خانواده و هدایت درست برنامه‌های رسانه‌ها می‌تواند راه‌های مؤثری در جهت حمایت از کودکان در معرض خطر باشد.

نتایج عوامل مداخله‌گر شامل سه چالش: عدم همکاری با خانواده با مربیان، کمبود منابع مالی خانواده، کمبود نیرو متخصص می‌باشد. در این باره می‌توان گفت که عدم همکاری با خانواده با مربیان یکی از معضلات در سیستم آموزش و پرورش می‌باشد. چرا که این عدم همکاری می‌تواند در رشد رفتارهای ناپسند کودکان تأثیرگذار باشد. همچنین کمبود منابع مالی خانواده‌ها معضل دیگر هست چرا که ممکن هست این کمبود باعث گردد تا بخش عظیمی از این کودکان به کارهای بیرون از خانه نیز مشغول گردند که بعضی اوقات دیده شده که بعضی از این کودکان به مسیرهای خلاف کشیده شده و آن میزان کودکانی که به این مسیر نرفته‌اند نیز، دچار افسردگی‌های خاص روحی روانی گردیده‌اند. معضل بعد نبود نیروی متخصص در آموزش و پرورش می‌باشد چرا که بیشتر نیروهای معلم در مدارس قراردادی و رشته خاص مدیریت آموزشی و یا تربیتی را نگذرانند که این خود بر روند عدم پیوند خانواده با مدرسه دامن می‌زند.

نتایج راهبردها شامل: گسترش امکان مشارکت والدین، گسترش اخلاق حرفه‌ای، وضع قوانین و مقررات و فرهنگ سازی می‌باشد. Deslandes (2001) مدل مفهومی درباره تعامل والدین در مدرسه تحت عنوان مدل درگیری والدین را مطرح نمود. بر مبنای این مدل، والدین وقتی در فعالیتهای مدرسه مشارکت می‌کنند که همکاری، بخشی از نقش آن‌ها به‌عنوان والدین باشد و بتواند تأثیر مثبت در آموزش فرزندان‌شان داشته باشند و بچه‌ها و مدرسه از آن‌ها درخواست مشارکت کند. از این رو گسترش امکان مشارکت والدین نقش مهمی در تربیت اجتماعی نوجوانان دارد. همچنین انجمن اولیا و مربیان در هر مدرسه که، هیئت منتخبی است از اولیای دانش‌آموزان و مربیان همان مدرسه که با تفاهم و صمیمیت به‌منظور تقویت همکاری و مشارکت اولیای دانش‌آموزان به‌منظور کمک به ارتقای کیفیت فعالیتهای آموزش و پرورش و گسترش ارتباط خانه و مدرسه، بر پایه مقررات و ضوابط انجام وظیفه می‌نماید. گسترش یابند. در مؤلفه اخلاق حرفه‌ای می‌توان گفت که آنچه فرد را از خاک به افلاک سیر می‌دهد از طریق کیمیای تعلیم و تربیت عملی می‌شود و جوهره این حرکت مبتنی بر اخلاق تبلور می‌یابد. نتایج این تحقیق با محققانی همچون Zakeri Kalat (2014) Smith, et al (2020) در مطالعه‌ای با عنوان «فرا تحلیل تأثیرات مداخلات مشارکت خانواده - مدرسه بر عملکرد تحصیلی و اجتماعی - هیجانی» نشان دادند که برخی از مؤلفه‌های مداخله عملکرد اجتماعی - هیجانی (همچون ارتباط دو طرفه و حمایت رفتاری) برای دانش‌آموزان بزرگ‌تر مؤثرتر بودند. Fabriano and Piley (2019) در مطالعه‌ای با عنوان «پدران و نقش آن‌ها در تعامل مدرسه و خانواده» نشان دادند موضوعات اصلی مورد توجه در تعامل پدر و مدرسه شامل حمایت از مهارت‌های بهبودیافته والدین و تدوین راهکارهای پدر محور برای بهبود مهارت‌های دانشگاهی و اجتماعی برای فرزند است. و مشارکت‌های مؤثر در مدرسه، با تأکید بر توسعه رویکردهایی که نیازهای خاص پدران و خانواده‌های آن‌ها را برآورده سازد، مورد بحث قرار گرفتند.

به طور کلی در این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که برای تعامل بهتر مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان باید معلمان و اولیای مدرسه همواره خود را ملزم بدانند که در برنامه‌های آموزشی مشارکت دانش‌آموزان را جلب کرده و دانش‌آموزان را در خصوص ضرورت اجرای مقررات انضباطی و آموزشی قانع کنند. با اصلاح روش‌های تدریس و ارزیابی، ایجاد انگیزه و افزایش موفقیت تحصیلی و تحکیم روابط میان دانش‌آموزان و اولیای مدرسه، بهبود محیط مدرسه از نظر کمی و کیفی و بالا بودن استانداردهای آموزشی ارتقای استانداردهای کارکنان آموزشی و معلمان و مدیران مدارس، متناسب نمودن برنامه‌های درسی با

نیازهای دانش‌آموزان و آموزش حقوق به دانش‌آموزان و غیره می‌توان سطح آسیب‌پذیری کودکان و نوجوانان را کاهش داد و به حمایت از آنها پرداخت. این پژوهش جهت ارائه مدل ارتقاء تعامل بهتر مدرسه و خانواده در پیشگیری از سوء رفتارهای اجتماعی نوجوانان پرداخته است. براساس نتایج و مدل خروجی به آموزش و پرورش پیشنهاد می‌گردد.

سازمان سعی نماید با تخصیص بودجه و منابع کافی جهت فعالیت‌های نوجوانان در مدرسه اقدام نماید. و تلاش نماید تا در مدارس با ایجاد کلاس‌های جانبی و فضای آموزشی خوب بتوانند در تعامل بیشتر خانواده‌ها و نوجوانان با مدرسه کمک نمایند. هنگامی که والدین در آموزش فرزندشان شرکت کنند، نگرش‌ها، رفتارها و وضعیت تحصیلی دانش‌آموزان تقویت می‌گردد و باعث دور شدن نوجوانان از رفتارهای نابهنجار اجتماعی می‌شود.

متأسفانه نبود نگرش و باور نسبت به مزایا و محاسن شرکت و مداخله اندیشه‌ها و تفکرات افرادی بیرون از جایگاه‌های رسمی و اداری نظام آموزش و پرورش (والدین)، باعث گشته تا ظرفیت علمی، فکری و تخصصی والدین بانگیزه و متعهد نسبت به آموزش و تربیت فرزندان خود، محروم گردند. لذا با تغییر دیدگاه در نظام آموزش و پرورش می‌توان تعاملات بیشتر خانواده با مدرسه را رقم زد که این تبعات خوبی برای کشور خواهد داشت.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله نویسندگان از خبرگان و اساتید و صاحب نظران حوزه مدیریت آموزشی و علوم تربیتی شرکت‌کننده در پژوهش تشکر و قدردانی می‌کنند.

References

- Amighi Rudisari M, Sharifian Jazi F. (2018). Investigating the barriers of parents' interaction with teachers with emphasis on the position of teachers, parents and school management, the third scientific research conference on new approaches in the humanities of Iran, Ilam, Aso System Armon Research Institute.
- Chen C Y C. (2019). Understanding school – family contact and academic and behavioral performance among adolescent students in Taiwan. *International Journal of School & Educational Psychology*, 7 (1): 42-55.
- Cook S. C, Rao K, Collins L. (2017). Self-monitoring interventions for students with EBD: Applying UDL to a research-based practice. *Beyond Behavior*, 26 (1): 19-27.
- Dargahi Sh, Et al. (2014). The role of parental supervision and companionship with delinquent peers in high-risk behaviors of single-parent adolescents under the supervision of the mother. *Nasim Health Quarterly*. 2 (4): 8-1.
- Deslandes R, Barma S. (2016). Revisiting the Challenges Linked to Parenting and Home-School Relationships at the High School Level. *Canadian Journal of Education*, 39 (4), n4.
- Fabiano G. A, Pyle K. (2019). Fathers and Their Role in Family-School Partnerships. In *Ethnocultural Diversity and the Home-to-School Link* (pp. 37-54). Springer, Cham.
- Gohari Z, Jamshidi L, Aminbidakhti A A. (2015). Identifying barriers to parental involvement in the affairs of primary schools in Semnan. *Educational planning studies*. 14 (7): 162-134.
- Golestan A, Salemi Khameneh A, Zarghami E. (2018). Comparison of identity styles, self-efficacy and emotional intelligence in normal adolescents and adolescents with behavioral disorders. *Empowering exceptional children*. 9 (3): 109-99.
- Hammond S I, Waugh W, Satlof-Bedrick E, Brownell C A. (2015). Prosocial Behavior during Childhood and Cultural Variations.
- Mirkamali S M. (2018). Human relations in school. Tehran: Yastroon.
- Mohammadi Sh, Bijani Mirza T, Hatami M. (2018). The Role of the Family, the School, and the Media in Crime Prevention with Emphasis on International Standards for Governing Commitment to Educate Individuals, *Journal of Teaching Research*. 6 (4): 258-238.
- Piehler T F, Ausherbauer K, Gewirtz A, liske K. (2018). Improving child peer adjustment in military families through parent training: the mediational role of parental locus of control. *The Journal of early adolescence*, 38 (9): 1322-1343.
- Qasemi Z, Maktabi G H, Haji Yakhchali. A. (2017). The relationship between family cohesion, academic support and academic resilience in relation to school and its components. *Family Psychology*. 4 (2): 102-89.
- Radoi M. (2016). School-Family Partnership in The Prevention of Addictive Behavior In Adolescents. *Annals of aletiiințifice ale Universității »Alexandru Ioan Cuza« din Iași. Sociology and Social Assistance*, 9 (1): 34-44.
- Rahdar M, Seidi M S, Rashidi A. (2020). Analysis of family leisure path to social growth by mediating the quality of parent-adolescent communication and the quality of communication with peers. *Social Psychology Research*. 10 (37): 44-29.
- Ramdass M, Lewis T, Ramdass M, Lewis T. (2012). Towards a model for research on the effects of school organizational health factors on primary school performance in Trinidad & Tobago. *International Journal of Educational Development*, 32 (3): 482-492.
- Safaei Movahed S, Bahadori B. (2018). Investigating the effect of school culture and family cultural capital on students' academic performance. *Management and planning in educational systems*. 11 (2): 158-127.

- Schilling S, French B, Berkowitz S J, et al. (2017). Child – Adult Relationship Enhancement in Primary Care (PriCARE): A randomized trial of a parent training for child behavior problems. *Academic pediatrics*, 17 (1): 53-60.
- Shafipour Z, et al. (2015). Parenting styles and its relationship with children's behavioral problems. *Comprehensive nursing and midwifery*. 25 (76): 56-49.
- Shokohi Yekta M, Parand A. (2014). Behavioral disorders in children and adolescents. Tehran: Teymourzadeh.
- Shukri N, et al. (2015). Correlation of high-risk behaviors in student adolescents with parenting styles. *Health Promotion Management Quarterly*. 5 (1): 82-73.
- Smith T E, Sheridan S M, Kim E M, et al. (2020). The effects of family-school partnership interventions on academic and social-emotional functioning: A meta-analysis exploring what works for whom.
- Strauss A, Corbin J (1997) *Basics of Qualitative Research Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory* (2nd edition). Sage Publications: London.
- Weeden M, Wills H P, Kottwitz E, Kamps D. (2016). The effects of a class-wide behavior intervention for students with emotional and behavioral disorders. *Behavioral Disorders*, 42 (1):
- Zakeri Kalat V. (2014). Interaction between family and school parents - dynamic and effective interaction. Third National Conference on Mental Health and Wellness.

Promoting School-Family Interaction in Preventing Adolescent Social Abuse: An Analysis of Dimensions and Components with a Qualitative Approach

Neda mohseni¹

Mohammad Ali Hosseini^{2*}

Nader Gholi Ghourchian³

Abstract

Purpose: In educational systems, educational and behavioral issues are important categories whose radius of conflict and influence go beyond the framework of formal education and cover the whole life. In this direction and in the field of behavioral issues, there are lifelong approaches that can be considered and investigated, which should not be hidden or sidelined by the authorities. One of these approaches is home-school interaction. According to the opinion of researchers, the first step of the education process is to establish a relationship. And the final step is to ensure the reliability of relationships and communications. Effective and strong communication between home and school and increasing parental participation is considered essential, and one of the consequences of improving the qualitative and quantitative level of school interaction is the prevention of social misbehavior of students (especially teenagers). Misbehaviors and communication-social challenges can affect social relationships in verbal and non-verbal interactions, play, understanding the goals and intentions of others, emotion regulation, learning skills and other dimensions and fuel wide behavioral problems. The aim of this study was to identify the factors that promote school-family interaction in the prevention of adolescent social abuse.

Methodology: The methodology of qualitative research was based on data theory (grounded theory) and content analysis of books and related articles. The statistical population consisted of 10 specialists who did research in the field of educational management and were experts, thinkers and professors in the field of educational management and educational sciences at the university, and were interviewed. The sampling method was purposive. Qualitative data analysis was performed using a coding process based on the systematic design of the data theory strategy of the Corbin and Strauss Foundation (2008). According to this plan, the required data were collected and counted by open coding, axial coding, selective coding of categories, and subcategories. The analysis software was MAXQDA 2018.

Findings: After reviewing and matching these codes and removing duplicate codes, common codes were determined and categories were reviewed with the background and theoretical foundations of matching and common concepts. After performing the open coding operation, in the axial coding stage, common and similar concepts (codes) were semantically determined and classified. Finally, the model of promoting school-family interaction in the prevention of adolescent social abuse was validated by experts.

Conclusion: The model includes causal conditions: structural factor and cultural factor Strategies: expanding the possibility of parental involvement, expanding professional ethics, setting rules and regulations and creating a culture of consequences: social factors, educational factors; Background: Students' experiences, managerial deficiencies, family educational role and intervention conditions include: Lack of cooperation with the family with educators, lack of family financial resources, lack of specialized staff. K

Keywords: Family, School Interaction, Social Abuse, Adolescents

¹ PhD Student in Educational Management, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Tehran, Iran. neda1361m@yahoo.com

² Associate Professor, Faculty of Social Welfare and Rehabilitation Sciences, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Author). mahmaimy2020@gmail.com

³ Full Professor, Department of Educational Management, Faculty of Management and Economics, Islamic Azad University, Research Sciences Branch, Tehran, Iran. naghourchian@gmail.com